

تعیین تفاوت بین نوازندگان سازهای سنتی با نوازندگان سازهای جدید از نظر مؤلفه‌های

تفکر خلاق و هوش هیجانی و سلامت روانی به تفکیک جنسیت

امیر جعفر نژاد رضائی^۱

۱. گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. (نویسنده مسئول).

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۳۴۰-۳۵۱

چکیده

هنر موسیقی و ارتباط آن با انسان از گذشته‌های دور همواره مورد توجه بوده است و تأثیرات آن بر جسم، روح و روان انسان‌ها مورد بررسی قرار گرفته شده است. پژوهش حاضر باهدف مقایسه تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی در بین نوازندگان سازهای سنتی و جدید زن و مرد انجام شد. روش این پژوهش علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوازندگان سازهای سنتی و جدید شهر ارومیه به تعداد ۴۰۰ نفر بودند (۲۲۰ نفر نوازنده سازهای سنتی و ۱۸۰ نفر نوازنده سازهای جدید). نمونه‌گیری این پژوهش به صورت تصادفی طبقه‌ای بود، به این گونه که ۱۱۰ نفر از نوازندگان سازهای سنتی و ۹۰ نفر از نوازندگان سازهای جدید انتخاب و در نهایت ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه تفکر خلاق عابدی (۱۳۷۲)، پرسشنامه هوش هیجانی بار اون (۱۹۸۰) و پرسشنامه تفکر سلامت روانی ۹۰ سوالی (۱۹۷۳) بودند. برای تحلیل آماری داده‌ها نیز از آزمون آماری تی مستقل استفاده گردید. یافته‌ها حاکی از آن است بین مؤلفه‌های تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی در بین نوازندگان زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تفکر خلاق، هوش هیجانی، سلامت روانی، جنسیت، نوازندگان.

مقدمه

انقلاب اطلاعاتی و الکترونیکی و انفجار دانش امکان پیش‌بینی‌های دانش‌های لازم برای برخورد مؤثر با شرایط محیطی را با مشکل روبرو ساخته است. لذا اندیشمندان و محققان راه چاره را در توجه به خلاقیت و توانمندی‌های فکری بشر دانسته‌اند در تحقیقی با عنوان بررسی و مقایسه خلاقیت دانش‌آموزان موسیقی آموخته و نیاموخته که توسط بهناز میرطالبی (۱۳۹۴) انجام گرفت، نتایج نشان داده شد که نمرات خلاقیت دانش‌آموزان موسیقی آموخته نسبت به دانش‌آموزان موسیقی نیاموخته بالاتر می‌باشد. از طرف دیگر، افرادی که از نظر هوش هیجانی بالاتر هستند از توانایی‌های اجتماعی مؤثرتری برخوردارند و هیجانات خود را راحت‌تر ابراز می‌کنند و همچنین توانایی بالایی در درک هیجانات دیگران دارند (دانیل گلمن، ترجمه نسرین پارسا، ۱۳۸۳). موسیقی می‌تواند به خودتنظیمی و خودمدیریتی هوش هیجانی فرد کمک نماید. با ایجاد شرایط مناسب برای ابراز خودشان و راه‌های اداره احساسات به وسیله موسیقی، آن‌ها این مهارت را رشد می‌دهند و قادر خواهند بود تا سازگاری بیشتری با محیط بیرون خواهد داشته و به این مطلب پی ببرند که دیگران هم همان احساسات را دارند و آن‌ها تنها نیستند.

در تحقیق دیگر که توسط رسینکو و همکارانش (۲۰۰۴) با عنوان "آیا شناخت احساسات در عملکرد موسیقی یک جنبه از هوش هیجانی است؟ انجام گرفت نشان داده شد که شناخت هوش هیجانی و شناخت احساس در کارکرد موسیقی به طور معنی‌داری همبسته بود، این نشان می‌دهد که شناسایی احساسات در عملکرد موسیقی بر برخی از حساسیت‌های مشابه که هوش هیجانی روزمره را تشکیل می‌دهند، غلبه دارد.

همچنین در نحوه ساخت یا گوش دادن به موسیقی می‌تواند سلامت روانی را بهبود بخشد در تحقیقی نشان داده شد که آواز در گروه‌های کر می‌تواند تأثیر مثبت بر سطوح هیجانی و سطوح اضطراب داشته باشد. روان‌درمانگرها که از موسیقی برای درمان استفاده می‌کنند، مدت‌هاست مدعی شده‌اند که موسیقی به کاهش اضطراب و تنش کمک می‌کند و همین‌طور به تغییر حالت‌های هیجانی و روح و جسم آن‌هایی که مثبت می‌باشند. از دیرباز موسیقی در مناسک مذهبی، نیایش‌ها، آیین‌های درمانی، جشن‌ها و مراسم اجتماعی بکار می‌رفته، ولی در چند دهه اخیر، موسیقی به صورت یک فعالیت علمی مستقل درآمده است. در تحقیقات اخیر کاربرد صوت و موسیقی درمانی در توان‌بخشی جسمی، ایمنی‌شناسی، روان رنجوری و موارد دیگر تأیید شده است (منصور نقی لو، ۲۰۱۷).

مسائل هنری در اصل یکی از روش‌های ضروری مهارت آموزشی برای افراد است که جزء برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فوق‌برنامه و تحت نظارت آنان است، چون به کیفیت زندگی و سلامت بعدی آن‌ها در زندگی فردی و گروه‌های اجتماعی کمک می‌کند. از طرف دیگر نقش عوامل روان‌شناختی را در میزان علاقه به موسیقی نمی‌توان نادیده گرفت. تقویت تفکر خلاق ما را در تصمیم‌گیری بهتر و حل مسئله کمک می‌کند و ما را از بن‌بست‌های زندگی خارج می‌نماید. تفکر خلاق نه تنها شخص را قادر می‌سازد که از تجربیات قبلی خود استفاده نماید و آن را با موفقیت‌های تازه ارتباط دهد، بلکه قادر خواهد بود ارتباط بین چیزهایی که قبلاً با هم بی‌ارتباط بوده‌اند را پیدا کند که از نظر خود فرد تازه و معنادار می‌باشد. همچنین می‌تواند از روش‌های غیر سنتی برای حل مسئله استفاده کند و فراتر از اطلاعات گام بردارد. از سوی دیگر، هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی لازم است ارتباط دارد و یک توانمندی

تاکتیکی در عملکرد فردی محسوب می‌شود؛ درحالی‌که هوش شناختی، دارای قابلیت استراتژیک و درازمدت است. هوش هیجانی پیش‌بینی موفقیت را ممکن می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که چگونه فرد بلافاصله دانش خود را در موقعیت‌های مختلف به کار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر هوش هیجانی به تفاوت‌های افراد در ادراک، پردازش، تنظیم و به‌کارگیری اطلاعات هیجانی اشاره دارد (زیندر، ۲۰۱۲). در پژوهشی باهدف اثربخشی موسیقی ملایم بر هوش هیجانی دانشجویان توسط نعمتی سوگلی تپه (۱۳۹۸) انجام گرفت، نتایج نشان داد که موسیقی در ارتقا هوش هیجانی دانشجویان مؤثر می‌باشد. در تحقیق دیگر با عنوان تاثیر موسیقی بر سلامت روان دانشجویان توسط ساسان پور (۱۳۹۴) انجام گرفت. نتایج نشان داد که گروهی که موسیقی گوش دادند، سلامت عمومی بهتری نسبت به گروهی که موسیقی گوش ندادند، دارند. موسیقی سنتی اثربخشی مثبت‌تری نسبت به موسیقی غیر سنتی در بهبود سلامت روان دارد.

تام جاکوپز (۲۰۱۸)، در تحقیقی با عنوان " پیوند بین هوش هیجانی و خلاقیت " به این نتیجه دست یافت که بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه وجود دارد و این موضوع قابل آموزش می‌باشد. بر اساس نتایج این تحقیق مشخص شد که افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند در زمان شکست خوردن در کارهای خود با کنترل احساسات و عواطف خود قادرند مجدداً به تولید محصولات خلاقانه خود ادامه دهند. با توجه به موارد ذکرشده در مورد اهمیت ویژگی‌های تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روان، پژوهش حاضر در راستای فراهم‌سازی شواهدی از مقایسه ویژگی‌های تفکر خلاق، سلامت روان و هوش هیجانی در نوازندگان سازهای سنتی و جدید انجام‌گرفته است.

روش پژوهش

نوع روش این پژوهش علی، مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه نوازندگان سازهای سنتی و جدید شهر ارومیه به تعداد ۴۰۰ نفر بودند (۲۲۰ نفر نوازنده سازهای سنتی و ۱۸۰ نفر نوازنده سازهای جدید) بودند که ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و می‌دانی بود. پرسشنامه‌های مورد استفاده به شرح زیر است.

آزمون تفکر خلاق

الف) آزمون سنجش خلاقیت عابدی: این آزمون که براساس نظریه تورنس درباره خلاقیت در سال ۱۳۶۳ به وسیله عابدی (۱۳۷۲) در تهران ساخته شد، روی یک گروه ۶۵۰ نفری از دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس تهران اجرا گردید. در سال ۱۹۸۶، عابدی و شوماخر در آمریکا به علت عدم دسترسی به نسخه اصلی، مواد آزمون را از نو ساختند. نسخه جدید آزمون بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفت و اولین بار به وسیله انیل و همکاران (۱۹۹۴) تشریح گردید. پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار بخش آزمون به‌این ترتیب به دست آمد: ضریب پایایی بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۲، انعطاف‌پذیری ۰/۸۴ و بسط ۰/۸۰ (عابدی، ۱۳۷۲).

ب) **آزمون‌های تفکر خلاق عابدی:** از آزمون‌های کلامی و غیرکلامی تفکر خلاق تورنس، به‌عنوان شاخص روایی همزمان آزمون خلاقیت عابدی استفاده شد. در بین ابزارهای سنجش خلاقیت، آزمون‌های تفکر خلاق تورنس در پژوهش‌ها و اندازه‌گیری‌های تربیتی بیشترین کاربرد را داشته است (تورنس ۱۹۷۴) آزمون‌های کلامی و غیرکلامی تفکر خلاق تورنس، دارای دو فرم موازی A و B می‌باشد که در این تحقیق از فرم A استفاده شد. فرم A در آزمون کلامی تفکر خلاق تورنس دارای شش فعالیت می‌باشد که در هر فعالیت آزمودنی باید به‌صورت کلامی و در زمان مقرر پاسخ‌های موردنظر را یادداشت کند. آزمون غیرکلامی تفکر خلاق تورنس (فرم A) از سه فعالیت تشکیل شده است که در هر فعالیت آزمودنی می‌بایست در زمان مقرر پاسخ‌های موردنظر را به‌صورت تصویری ثبت کند. در آزمون کلامی تورنس، سه مؤلفه سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار و در آزمون غیرکلامی تورنس، چهار مؤلفه سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط اندازه‌گیری شدند. نمره‌گذاری آزمون‌های تفکر خلاق تورنس، مطابق راهنمای نمره‌گذاری در کتاب راهنمای TTCT (بیوکی، ۱۳۷۶) انجام شد.

هوش هیجانی: اولین مقیاس هوش هیجانی بار- آن در سال ۱۹۸۰ با طرح این سوال که چرا بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق‌ترند آغاز گردید. این پرسشنامه دارای ۹۰ سوال است که نخستین پرسشنامه فرافرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است این آزمون در سه مرحله در ایران اجرا شده و پس از انجام برخی تغییرات در متن اصلی پرسشنامه، حذف یا تغییر بعضی سوالات و تنظیم مجدد سوالات هر مقیاس، پرسشنامه از ۱۱۷ سوال به ۹۰ سوال تقلیل یافت و در مورد کیفیت روان سنجی آن نیز اقدامات لازم به عمل آمد. میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش گردید این میزان (آلفای محاسبه شده در مرحله سوم) با آلفای محاسبه شده در مرحله دوم آزمون یکسان بدست آمده است.

سلامت روانی: این آزمون شامل ۹۰ سوال برای ارزشیابی علائم روانی است که به وسیله پاسخگو گزارش می‌شود و اولین بار برای نشان دادن جنبه‌های روان‌شناختی بیماران جسمی و روانی طرح‌ریزی گردیده است. فرم اولیه آزمون توسط درگوتیس، لیمنو کوی (۱۹۷۳) معرفی شد و بر اساس تجربیات بالینی و تجزیه و تحلیل‌های روانسنجی از آن، مورد تجدیدنظر قرار گرفت و فرم نهایی آن تهیه گردید. پایایی تست مجدد که ثبات آزمون را در طول زمان می‌سنجد بر روی ۹۴ نفر بیمار روانی نامتجانس و پس از یک هفته ارزیابی اولیه صورت گرفت. اکثر ضرایب دارای همبستگی بالا بین ۰/۷۸ تا ۰/۹ بوده‌اند.

یافته‌ها

جدول (۱) میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق را در بین آزمودنی‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

خلاقیت	جنس	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	تعداد
سستی	مرد	۱۳۲/۶۲	۱۰/۲۷	۱۰۹	۱۴۹	۳۲
	زن	۱۳۷/۹۵	۴/۲۲	۱۲۸	۱۴۵	۲۲
	مرد	۱۳۱/۳۶	۱۰/۸۹	۱۱۰	۱۴۷	۲۵
	زن	۱۳۴/۰۰	۸/۱۹	۱۱۷	۱۵۰	۲۸

مرد	۱۱۸/۴۷	۷/۲۵	۱۰۳	۱۲۸	۱۹
زن	۱۱۸/۶۱	۵/۹۲	۱۰۳	۱۲۷	۲۶
جدید	۱۲۰/۵۰	۶/۵۸	۱۰۷	۱۳۴	۲۴
زن	۱۱۸/۲۹	۶/۵۸	۱۰۸	۱۳۳	۲۴
مرد	۱۲۷/۳۵	۱۱/۴۹	۱۰۳	۱۴۹	۵۱
زن	۱۲۷/۴۷	۱۱/۰۲	۱۰۳	۱۴۵	۴۸
مرد	۱۲۶/۰۴	۱۰/۴۹	۱۰۷	۱۴۷	۴۹
زن	۱۲۶/۷۵	۱۰/۷۳	۱۰۸	۱۵۰	۵۲
کل					
هوش هیجانی					
مرد	۲۹۸/۳۷	۱۰/۳۲	۲۸۳	۳۳۲	۳۲
زن	۲۹۴/۸۱	۹/۳۳	۲۸۲	۳۱۲	۲۲
مرد	۲۹۶/۰۰	۷/۲۷	۲۸۰	۳۱۳	۲۵
زن	۲۹۹/۵۷	۷/۴۰	۲۹۰	۳۱۸	۲۸
سنتی					
مرد	۲۴۸/۶۳	۳۶/۷۹	۲۱۲	۳۱۲	۱۹
زن	۲۲۸/۳۰	۳۷/۰۰	۱۸۹	۳۰۹	۲۶
جدید	۲۱۰/۷۹	۱۳/۱۵	۱۹۸	۲۵۸	۲۴
زن	۲۲۵/۸۷	۳۲/۱۲	۱۸۶	۲۹۹	۲۴
مرد	۲۷۹/۸۴	۳۳/۴۲	۲۱۲	۳۳۲	۵۱
زن	۲۵۸/۷۹	۴۳/۴۵	۱۸۹	۳۱۲	۴۸
مرد	۲۵۴/۲۶	۴۴/۲۸	۱۹۸	۳۱۳	۴۹
زن	۲۶۵/۵۵	۴۳/۲۵	۱۸۶	۳۱۸	۵۲
کل					
سلامت روانی					
مرد	۱/۵۰	۰/۱۶	۱/۱۷	۱/۸۰	۳۲
زن	۱/۴۹	۰/۲۴	۱/۱۴	۱/۹۷	۲۲
مرد	۱/۶۰	۰/۱۸	۱/۳۳	۲/۰۵	۲۵
زن	۱/۵۸	۰/۱۶	۱/۰۸	۱/۸۵	۲۸
مرد	۱/۸۹	۰/۱۹	۱/۴۷	۲/۳۵	۱۹
زن	۱/۸۹	۰/۱۴	۱/۶۰	۲/۱۲	۲۶
جدید	۱/۸۲	۰/۳۰	۱/۱۱	۲/۴۰	۲۴
زن	۱/۹۰	۰/۱۸	۱/۴۹	۲/۱۶	۲۴
مرد	۱/۶۵	۰/۲۸	۱/۱۷	۲/۳۵	۵۱
زن	۱/۷۱	۰/۲۸	۱/۱۴	۲/۱۲	۴۸
مرد	۱/۷۱	۰/۲۶	۱/۱۱	۲/۴۰	۴۹
زن	۱/۷۳	۰/۲۳	۱/۰۸	۲/۱۶	۵۲
کل					

برای اجرای روش‌های آماری و محاسبه آماره آزمون مناسب و استنتاج منطقی درباره فرضیه‌های پژوهش مهم‌ترین عمل قبل از هر اقدامی، انتخاب روش آماری مناسب برای پژوهش است آگاهی از توزیع داده‌ها از اولویت اساسی برخوردار است. برای همین منظور در این پژوهش از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش استفاده شده است. در این آزمون با توجه به فرضیات زیر گام به بررسی نرمال بودن داده‌ها نهاده شده است:

جدول ۲. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای توزیع نمرات متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	چولگی	کشیدگی	کلموگروف اسمیرنوف	معنی داری
تفکر خلاق	۰/۷۳۹	-۰/۷۳۹	۰/۴۶۸	۰/۹۸۱
هوش هیجانی	۰/۵۶۹	-۱/۴۳۲	۰/۴۵۴۴	۰/۹۲۹
سلامت روانی	۰/۴۳۳	-۰/۲۵۴	۰/۶۶۵	۰/۷۶۸

در جدول ۲ نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است. از آنجایی که سطح معناداری در همه متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه، بیش از مقدار ملاک ۰/۰۵ می‌باشد ($P > ۰/۰۵$)، در نتیجه می‌توان گفت که توزیع متغیرهای مورد بررسی در نمونه آماری داری توزیع نرمال می‌باشد و می‌توان فرضیه‌های پژوهش را از طریق آزمون‌های پارامتریک مورد آزمون قرارداد.

پیش فرض فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای وابسته: با توجه به اینکه متغیرهای وابسته در این پژوهش، خلاقیت، هوش هیجانی و سلامت روانی هستند و در داده‌های آماری نمره‌گذاری شده‌اند، پیش فرض فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای وابسته رعایت شده است و می‌توان فرضیه‌های پژوهش را از طریق آزمون‌های پارامتریک مورد آزمون قرارداد.

پیش فرض اسمی بودن مقیاس گروه‌های مورد مطالعه: با توجه به اینکه گروه‌های مورد مقایسه در این پژوهش، نوازندگان سنتی و جدید به تفکیک جنسیتی زن و مرد و نیز تفکیک تحصیلات دانشگاهی و غیردانشگاهی هستند، پیش فرض اسمی بودن مقیاس گروه‌های مورد مطالعه رعایت شده است و می‌توان فرضیه‌های پژوهش را از طریق آزمون‌های پارامتریک T برای دو گروه مستقل مورد آزمون قرار گرفت.

آزمون فرضیات

۱- بین نوازندگان مرد با نوازندگان زن از نظر تفکر خلاق و هوش هیجانی و سلامت روانی، تفاوت وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون T در گروه‌های مستقل برای مقایسه میانگین‌های تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی در دو گروه نوازندگان زن و مرد

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	df	T	sig
تفکر خلاق	مرد	۱۲۶/۷۱	۱۰/۹۸	۱۹۸	-۰/۲۵	۰/۸۰۱
	زن	۱۲۷/۱۰	۱۰/۸۲			
هوش هیجانی	مرد	۲۶۷/۳۱	۴۰/۹۹	۱۹۸	۰/۸۳۹	۰/۴۰۳
	زن	۲۶۲/۳۱	۴۳/۲۶			
سلامت روانی	مرد	۱/۶۸	۰/۲۷	۱۹۸	-۱/۱۴۲	۰/۲۵۵
	زن	۱/۷۲	۰/۲۵			

براساس جدول ۳ میانگین نمرات اکتسابی آزمودنی‌های پژوهش در تمامی متغیرهای تحقیق با آزمون T در گروه‌های مستقل برای پیدا کردن تفاوت بین نوازندگان مرد و زن مورد تحلیل قرار گرفت و در تمامی متغیرهای تحقیق بین نوازندگان مرد و زن تفاوت معنی‌داری به دست نیامد و می‌توان گفت که نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی برابری از خود بروز دادند. با توجه به عدم وجود تفاوت‌های معنی‌دار بین نوازندگان مرد و زن در تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی می‌توان گفت که در همه این متغیرها میانگین نمرات نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن برابر است. لذا این بخش از فرضیه رد می‌گردد.

درمجموع می‌توان گفت با توجه به عدم معنی‌داری تفاوت تمامی متغیرهای تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی در بین نوازندگان مرد و زن، فرضیه فوق‌الذکر رد می‌گردد.

۲- بین نوازندگان مرد با نوازندگان زن، از نظر مؤلفه‌های تفکر خلاق و هوش هیجانی و سلامت روانی، تفاوت وجود دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون T در گروه‌های مستقل برای مقایسه میانگین‌های مؤلفه‌های تفکر خلاق در دو گروه نوازندگان مرد و زن

متغیر تفکر خلاق	گروه	میانگین	انحراف معیار	df	T	sig
سیالی	مرد	۴۵/۷۴	۴/۳۴	۱۹۸	-۱/۵۳	۰/۱۲۵
	زن	۴۶/۶۷	۴/۱۹			
بسط	مرد	۲۲/۷۲	۳/۰۰	۱۹۸	-۰/۲۹۹	۰/۷۶۵
	زن	۲۲/۸۴	۲/۶۶			
ابتکار	مرد	۳۴/۵۹	۳/۶۸	۱۹۸	۱/۴۷	۰/۱۴۳
	زن	۳۳/۸۳	۳/۶۱			
انعطاف	مرد	۲۳/۶۶	۲/۳۹	۱۹۸	-۰/۲۹۶	۰/۷۶۸
	زن	۲۳/۷۶	۳/۳۹			

طبق جدول ۴ میانگین نمرات اکتسابی آزمودنی‌های پژوهش در تمامی خرده مقیاس‌های تفکر خلاق با آزمون T در گروه‌های مستقل برای پیدا کردن تفاوت بین نوازندگان مرد و زن مورد تحلیل قرار گرفت و در تمامی خرده مقیاس‌های تفکر خلاق بین نوازندگان مرد و زن تفاوت معنی‌داری به دست نیامد و می‌توان گفت که نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن خرده مقیاس‌های تفکر خلاق برابری از خود بروز دادند. با توجه به عدم وجود تفاوت‌های معنی‌دار بین نوازندگان مرد و زن در خرده مقیاس‌های تفکر خلاق می‌توان گفت که در همه این متغیرها میانگین نمرات نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن برابر است. لذا این بخش از فرضیه رد می‌گردد.

جدول ۵. نتایج آزمون T در گروه‌های مستقل برای مقایسه میانگین‌های مؤلفه‌های هوش هیجانی در دو گروه نوازندگان مرد و زن

متغیر هوش هیجانی	گروه	میانگین	انحراف معیار	df	T	sig
حل مسئله	مرد	۱۹/۷۴	۱/۵۸	۱۹۸	۲/۰۳	۰/۰۴۴
	زن	۱۹/۱۵	۲/۴۳			

شادمانی	مرد	۱۷/۹۱	۲/۵۸	۱۹۸	۱/۵۲	۰/۱۲۹
	زن	۱۷/۲۶	۳/۳۹			
استقلال	مرد	۱۷/۳۹	۳/۱۹	۱۹۸	۰/۹۸۸	۰/۳۲۴
	زن	۱۶/۹۲	۳/۵۲			
تحمل فشار	مرد	۱۷/۷۳	۳/۸۲	۱۹۸	۰/۳۳۰	۰/۷۴۲
	زن	۱۷/۵۵	۳/۸۹			
خودشکوفایی	مرد	۱۷/۷۸	۳/۷۱	۱۹۸	۰/۰۷۶	۰/۹۴۰
	زن	۱۷/۷۴	۳/۷۳			
خود آگهی هیجانی	مرد	۱۷/۰۹	۳/۵۹	۱۹۸	۰/۲۷۵	۰/۷۴۸
	زن	۱۶/۶۹	۳/۰۸			
واقع گرایی	مرد	۱۶/۶۶	۳/۱۵	۱۹۸	۰/۴۲۲	۰/۶۷۴
	زن	۱۶/۴۷	۳/۲۲			
روابط بین فردی	مرد	۱۸/۵۰	۴/۱۱	۱۹۸	۰/۶۵۸	۰/۵۱۱
	زن	۱۸/۱۱	۴/۲۷			
خوش بینی	مرد	۱۷/۷۹	۳/۴۸	۱۹۸	۱/۶۷	۰/۰۹۶
	زن	۱۶/۹۳	۳/۷۸			
عزت نفس	مرد	۱۸/۱۹	۳/۳۸	۱۹۸	۱/۱۹	۰/۲۳۵
	زن	۱۷/۵۷	۳/۹۴			
کنترل تکانه	مرد	۱۷/۲۲	۲/۹۲	۱۹۸	۱/۵۹	۰/۱۱۱
	زن	۱۶/۵۲	۳/۲۵			
انعطاف پذیری	مرد	۱۷/۱۹	۳/۱۹	۱۹۸	۰/۸۵۷	۰/۳۹۳
	زن	۱۶/۷۹	۳/۴۰			
مسئولیت پذیری	مرد	۱۶/۸۲	۲/۹۰	۱۹۸	-۰/۴۲۵	۰/۶۷۱
	زن	۱۶/۹۹	۲/۷۴			
همدلی	مرد	۱۷/۷۷	۲/۹۷	۱۹۸	-۰/۳۶۴	۰/۷۱۷
	زن	۱۷/۹۱	۲/۴۴			
خود ابرازی	مرد	۱۹/۵۳	۲/۱۱	۱۹۸	۰/۳۱۶	۰/۷۵۱
	زن	۱۹/۴۴	۱/۹۰			

همان‌طور که در جدول ۵ میانگین نمرات اکتسابی آزمودنی‌های پژوهش در تمامی خرده مقیاس‌های هوش هیجانی با آزمون T در گروه‌های مستقل برای پیدا کردن تفاوت بین نوازندگان مرد و زن مورد تحلیل قرار گرفت و در تمامی خرده مقیاس‌های هوش

هیجانی به جز حل مسئله بین نوازندگان مرد و زن تفاوت معنی داری به دست نیامد و می توان گفت که نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن در خرده مقیاس های هوش هیجانی به جز حل مسئله وضعیت برابری از خود بروز دادند. با توجه به عدم وجود تفاوت های معنی دار بین نوازندگان مرد و زن در خرده مقیاس های هوش هیجانی می توان گفت که در همه این متغیرها به جز حل مسئله میانگین نمرات نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن برابر است. لذا این بخش از فرضیه تأیید می گردد.

جدول ۶. نتایج آزمون T در گروه های مستقل برای مقایسه میانگین های مؤلفه های سلامت روانی در دو گروه نوازندگان مرد و زن

متغیر سلامت روانی	گروه	میانگین	انحراف معیار	df	T	sig
شکایات جسمانی	مرد	۱/۸۹	۰/۴۴	۱۹۸	۱/۴۵	۰/۱۴۸
	زن	۱/۷۹	۰/۴۸			
اضطراب	مرد	۱/۸۴	۰/۴۳	۲/۲۶	-۱/۷۹	۰/۰۷۴
	زن	۱/۹۵	۰/۴۱			
وسواس فکری- عملی	مرد	۱/۷۲	۰/۴۵	۰/۸۷	-۱/۵۲	۰/۱۲۸
	زن	۱/۸۲	۰/۴۶			
افسردگی	مرد	۱/۵۵	۰/۴۵	۳/۳۰	-۳/۷۷	۰/۰۰۰
	زن	۱/۷۹	۰/۴۴			
حساسیت بین فردی	مرد	۱/۷۹	۰/۵۰	۲/۷۲	۰/۳۸۶	۰/۷۰۰
	زن	۱/۷۷	۰/۴۸			
روان پریشی	مرد	۱/۶۶	۰/۴۸	۰/۱۶	۰/۲۲۵	۰/۸۲۳
	زن	۱/۶۴	۰/۴۵			
افکار پارانوئیدی	مرد	۱/۷۴	۰/۴۸	۱/۷۳	-۱/۹۱	۰/۰۵۷
	زن	۱/۸۷	۰/۵۲			
خصوصیت (پر خاشگری)	مرد	۱/۶۱	۰/۶۲	۱/۶۲	-۰/۹۵۳	۰/۳۴۲
	زن	۱/۶۹	۰/۴۷			
ترس مرضی	مرد	۱/۳۷	۰/۵۲	۰/۵۶۷	۰/۹۳۴	۰/۳۵۱
	زن	۱/۳۱	۰/۴۸			
شاخص علائم کلی GSI	مرد	۱/۶۸	۰/۲۷	-۲/۲۸	-۱/۱۴	۰/۲۵۵
	زن	۱/۷۲	۰/۲۵			

میانگین نمرات اکتسابی آزمودنی های پژوهش در تمامی خرده مقیاس های سلامت روانی با آزمون T در گروه های مستقل برای پیدا کردن تفاوت بین نوازندگان مرد و زن مورد تحلیل قرار گرفت و در تمامی خرده مقیاس های هوش هیجانی به جز افسردگی بین نوازندگان مرد و زن تفاوت معنی داری به دست نیامد و می توان گفت که نوازندگان زن در مقایسه با نوازندگان زن در خرده مقیاس های هوش هیجانی به جز افسردگی وضعیت برابری از خود بروز دادند. با توجه به عدم وجود تفاوت های معنی دار بین

نوازندگان مرد و زن در خرده مقیاس‌های سلامت روانی می‌توان گفت که در همه این متغیرها به‌جز افسردگی میانگین نمرات نوازندگان مرد در مقایسه با نوازندگان زن برابر است. لذا این بخش از فرضیه تأیید می‌گردد (جدول ۶). در مجموع می‌توان گفت با توجه به معنی‌داری تفاوت برخی از خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و سلامت روانی در بین نوازندگان مرد و زن، فرضیه ۲ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بررسی فرضیه ۱ تحقیق نشان می‌دهد که بین نوازندگان مرد با نوازندگان زن از نظر تفکر خلاق و هوش هیجانی و سلامت روانی، تفاوت وجود ندارد. همچنین مطابق با نتایج به‌دست‌آمده، میزان تفکر خلاق و هوش هیجانی و سلامت روانی نوازندگان مرد نسبت به نوازندگان زن برابر می‌باشد. در ارتباط با فرضیه اگرچه تحقیقات کاملاً مرتبطی یافت نشد اما با احتیاط می‌توان گفت این یافته با نتایج تحقیقات نعمتی سوگلی تپه (۱۳۹۸)، خدابخشی و نوری فرد (۱۳۹۲)، خسروجردی و خانزاده (۱۳۸۶)، الکساندره کوپو و دارکو جکوک (۲۰۱۸)، تام جاکوپز (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

نتایج به‌دست‌آمده بدین معنی است که جنسیت نوازندگان به اندازه سبک‌ها و سازهای سنتی تأثیری در میزان تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی نداشته و از این جهت عملکرد هر دو جنس یکسان می‌باشد، بنابراین مطابق با این یافته، نوازندگان زن سبک‌ها و سازهای سنتی همپای مردان این حوزه در برخورد با مسائل و مشکلات این‌چنینی در درجه نخست، به دید حل مسئله نگاه کرده و با حفظ و کنترل احساسات و عواطف و در عین حال سلامت روانی خود، سعی در ساخت و تولید اثرات ماندگاری می‌کنند که سالیان سال بتوانند مرهمی بر دردهای مردمان خسته سرزمین‌شان باشند. لذا این مشکلات به‌عنوان موروثات اجتماعی و فرهنگی، امکان رشد شناختی نوازندگان را افزایش می‌دهد و همین امر باعث می‌شود آن‌ها در جامعه خود احساس مؤثر بودن داشته باشند. در نتیجه این خود باعث می‌شود تا نوازندگان در برخورد با مشکلات فرهنگی و اجتماعی به فکر راه چاره و حل مسئله باشند و با خلق آثار متفاوت و در عین حال متناسب سعی نمایند حلال مشکلات شوند تا اینکه ساکت بنشینند و تأثیرات منفی آن‌ها را بر خود و جامعه‌شان نظاره‌گر باشند؛ بنابراین مطابق با نتایج پژوهش، از آنجاکه سبک‌ها و سازهای سنتی در بخش شخصی تفکر خلاق نوازندگان زن و مرد به یکسان اثرگذاری می‌کند و نحوه پردازش فکری نوازندگان در خصوص حل مشکلات فردی و اجتماعی به‌طور مثبت تغییر می‌دهد و باعث می‌شود مشکلات محیط زندگی به‌عنوان مشکلات شخصی تلقی شده و نوازندگان در پی حل خلاق آن‌ها برمی‌آیند تا اینکه اجازه بدهند مشکلات فردی و اجتماعی بر ساختار تفکر خلاق‌شان تأثیر منفی بگذارند. از سوی دیگر بالا بودن هوش هیجانی نوازندگان مرد و زن سبک‌ها و سازهای سنتی به آن‌ها این امکان و اجازه را می‌دهد که در مقابل مسائل و مشکلات، با حفظ و کنترل احساسات و عواطف‌شان، به فکر چاره‌یابی و حل مشکل باشند تا اینکه منفعلانه آن‌ها قرار گرفته و سلامت روانی خود و جامعه را به خطر بیاندازند، همان چیزی در خصوص نوازندگان مرد و زن سازهای جدید و پاپ در حال رخ دادن است و پایین بودن نمرات تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی ایشان نسبت به نوازندگان مرد و زن سبک‌ها و سازهای سنتی، خود شاهی برای مدعاست.

نتایج بررسی فرضیه دوم تحقیق نشان می‌دهد که بین نوازندگان مرد با نوازندگان زن از نظر مؤلفه‌های تفکر خلاق (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف) و هوش هیجانی (حل مسئله، شادمانی، استقلال، تحمل فشار، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خوش‌بینی عزت‌نفس، کنترل تکانه، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، همدلی و خودآزاری) و سلامت روانی (شکایات جسمانی، اضطراب، وسواس فکری - عملی، به جز افسردگی که در زنان بیشتر از مردان است، حساسیت بین فردی، روان‌پریشی، افکار پارانویایی، خصومت یا پرخاشگری، ترس مرضی و شاخص علائم کلی GSI) تفاوت معنی‌دار وجود ندارد؛ و نمرات نوازندگان مرد نسبت به نوازندگان زن برابر می‌باشد.

در ارتباط با فرضیه اگرچه تحقیقات کاملاً مرتبطی یافت نشد اما با احتیاط می‌توان گفت این یافته با نتایج تحقیقات نعمتی سوگلی تپه (۱۳۹۸)، خدابخشی و نوری فرد (۱۳۹۲)، الکساندره کوپو و دارکو جکوک (۲۰۱۸)، تام جاکوپز (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده بدین معنی است که جنسیت نوازندگان به اندازه سبک‌ها و سازهای سنتی تأثیری در میزان مؤلفه‌های تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی نداشته و از این جهت عملکرد هر دو جنس یکسان می‌باشد، بنابراین مطابق با این یافته، نوازندگان زن سبک‌ها و سازهای سنتی همپای مردان این حوزه در برخورد با مسائل و مشکلات این‌چنینی در درجه نخست، به دید حل مسئله نگاه کرده و با حفظ و کنترل احساسات و عواطف و درعین‌حال سلامت روانی خود، سعی در ساخت و تولید اثرات ماندگاری می‌کنند که سالیان سال بتوانند مرهمی بر دردهای مردمان خسته سرزمین‌شان باشند. لذا این مشکلات به‌عنوان موروثات اجتماعی و فرهنگی، امکان رشد شناختی نوازندگان را افزایش می‌دهد و همین امر باعث می‌شود آن‌ها در جامعه خود احساس مؤثر بودن داشته باشند. در نتیجه این خود باعث می‌شود تا نوازندگان در برخورد با مشکلات فرهنگی و اجتماعی به فکر راه چاره و حل مسئله باشند و با خلق آثار متفاوت و درعین‌حال متناسب سعی نمایند حلال مشکلات شوند تا اینکه ساکت بنشینند و تأثیرات منفی آن‌ها را بر خود و جامعه‌شان نظاره‌گر باشند؛ بنابراین مطابق با نتایج پژوهش، از آنجاکه سبک‌ها و سازهای سنتی در بخش شخصی تفکر خلاق نوازندگان زن و مرد به یکسان اثرگذاری می‌کند و نحوه پردازش فکری نوازندگان در خصوص حل مشکلات فردی و اجتماعی به‌طور مثبت تغییر می‌دهد و باعث می‌شود مشکلات محیط زندگی به‌عنوان مشکلات شخصی تلقی شده و نوازندگان در پی حل خلاق آن‌ها برمی‌آیند تا اینکه اجازه بدهند مشکلات فردی و اجتماعی بر ساختار تفکر خلاق‌شان تأثیر منفی بگذارند. از سوی دیگر بالا بودن هوش هیجانی نوازندگان مرد و زن سبک‌ها و سازهای سنتی به آن‌ها این امکان و اجازه را می‌دهد که در مقابل مسائل و مشکلات، با حفظ و کنترل احساسات و عواطف‌شان، به فکر چاره‌یابی و حل مشکل باشند تا اینکه منفعلانه تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته و سلامت روانی خود و جامعه را به خطر بیندازند، همان چیزی در خصوص نوازندگان مرد و زن سازهای جدید و پاپ در حال رخ دادن است و پایین بودن نمرات تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی ایشان نسبت به نوازندگان مرد و زن سبک‌ها و سازهای سنتی، خود شاهی برای مدعاست. با توجه به نقش سبک‌های ساز سنتی و جدید در میزان تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی نوازندگان، پیشنهاد می‌شود مداخلاتی باهدف آموزش تفکر خلاق، هوش هیجانی و سلامت روانی به نوازندگان انجام گیرد.

منابع

- بیوکی، زهرا (۱۳۷۶). هنجاریابی آزمون تفکر خلاق تورنس برای دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۶). ویژگی‌های تفکر خلاق. *مجله کیهان فرهنگی*، شماره ۱۴۰.
- حسینی، سید احمد (۱۳۸۹). نقش حمایت اجتماعی در میزان سلامت روان کارمندان جوان شهرداری تهران. *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۱۱-۱۴۴.
- خدابخشی، مهدی و نوری فرد، مرضیه (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیت، منبع کنترل و خلاقیت نوازندگان موسیقی سنتی، موسیقی پاپ و افراد غیرنوازنده. ترجمه: منصور نقی لو.
- ساسان پور، مهشید (۱۳۹۴). تاثیر موسیقی بر سلامت روان دانشجویان. هارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان.
- خان زاده، عل؛ خسروجردی، راضیه (۱۳۸۶). بررسی رابطه هوش هیجانی با سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- گلמן، دانیل (۱۳۸۸). هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا، تهران: انتشارات رشد.
- موسوی لطفی، سیده مریم؛ صفوی، محبوبه و اکبری، ولی الله (۱۳۸۸). چرا هوش هیجانی؟. تهران: انتشارات فانوس اندیشه.
- میرطالبی، بهناز (۱۳۹۴). بررسی تاثیر آموزش موسیقی بر رشد خلاقیت کودکان. همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی، چابهار.
- نعمتی سوگلی تپه، فاطمه (۱۳۹۸). تاثیر موسیقی ملایم بر هوش هیجانی دانشجویان. چهارمین کنفرانس ملی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی.
- Derogatis, L. R., Lipman, R.S., Covi, L. (1973). SCL-90: An outpatient psychiatric rating scale preliminary report.
- Kopp, A., & Jekauc, D. (2018). The influence of emotional intelligence on performance in competitive sports: a meta-analytical investigation. *Sports*, 6(4), 175.
- Resnicow, J. E., Salovey, P., & Repp, B. H. (2004). Is recogniTion of emoTion in music performance an aspecT of emoTional inTelligence?. *Music PercepTion: An InTerdisciplinary Journal*, 22(1), 145-158.
- Tom, J. (2018). The Link BeTween CreaTiviTy and EmoTional InTelligence. *Pacific STandard*, MAY25.
- Torrance, E. P. (1974). The torrance tests of creative thinking-norms-technical manual research edition verbal tests, forms a and b- figural tests, forms A and B. *Princeton, NJ: Personnel Press*.
- Zeidner, M., MatThews, G., & RoberTs, R. D. (2012). WhaT we know abouT emoTional inTelligence: How iT affectS learning, work, relaTionships, and our menTal h